بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 30 دی 1394

30/ 10/ 94 بررسی روایت جمیل: علی بن حسن بن فضال عن الحسن بن علی ابن بنت الیاس عن جمیل بن دراج عن ابی عبدالله علیه السلام: لَا یَکُونُ الرَّدُّ عَلَی زَوْجٍ وَ لَا زَوْجَةٍ

استاد معظم در جلسه گذشته فهرست بحث های روایت جمیل را مطرح کردند و بررسی آن را به این جلسه واگذار کردند. روایت جمیل به این شکل بود: علی بن حسن بن فضال عن الحسن بن علی ابن بنت الیاس عن جمیل بن دراج عن ابی عبدالله علیه السلام: لَا یَکُونُ الرَّدُّ عَلَی زَوْجٍ وَ لَا زَوْجَةٍ[[1]](#footnote-1)

سند روایت جمیل

کلام مرحوم مجلسی اول

ایشان از این روایت به اسم موثق کالصحیح تعبیر کرده اند[[2]](#footnote-2) اساسا این تعبیر کالصحیح به چه معناست تعابیر حسن کالصحیح، موثق کالصحیح در کلمات قوم به چه معنا به کار می رود.

توضیح عبارت موثق کالصحیح

در توضیح این اصطلاح باید گفت که علماء در تعارض بین خبر صحیح با خبر موثق و حسن خبر صحیح را مقدم می کنند. اما این قاعده استثناءاتی دارد به این معنا که بعضی اخبار موثقات و حسان هستند که توانائی معارضه با اخبار صحیح را دارند. 1- از جمله این موارد جائی است که یکی از اصحاب اجماع در سند وجود داشته باشد که در اینصورت چون اجماع بر قبول روایات این افراد است حکم روایت صحیح را به این روایت بار می کنند. 2- مورد دیگر برای این استثناء، روایات بنی فضال[[3]](#footnote-3) است. که روایت مورد بحث ما نیز از این دسته روایات است چون راوی آن علی بن الحسن بن فضال است که از بنی فضال است. دلیل این استثناء هم روایت معروفی است که در مورد بنی فضال وارد شده است. این روایت را مرحوم شیخ طوسی در کتاب الغیبه ضمن ذکر حسین بن روح در سفراء ممدوحین نقل می کند. نص روایت چنین است: وَ قَالَ أَبُو الْحُسَیْنِ بْنُ تَمَّامٍ حَدَّثَنِی عَبْدُ اللَّهِ الْکُوفِیُّ خَادِمُ الشَّیْخِ الْحُسَیْنِ بْنِ رَوْحٍ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سُئِلَ الشَّیْخُ یَعْنِی أَبَا الْقَاسِمِ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ کُتُبِ ابْنِ أَبِی الْعَزَاقِرِ بَعْدَ مَا ذُمَّ وَ خَرَجَتْ فِیهِ اللَّعْنَةُ فَقِیلَ لَهُ فَکَیْفَ نَعْمَلُ بِکُتُبِهِ وَ بُیُوتُنَا مِنْهَا مِلَاءٌ فَقَالَ أَقُولُ فِیهَا مَا قَالَهُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ ص وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ‏ کُتُبِ بَنِی فَضَّالٍ فَقَالُوا کَیْفَ نَعْمَلُ بِکُتُبِهِمْ وَ بُیُوتُنَا مِنْهَا مِلَاءٌ. فَقَالَ ص خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَ ذَرُوا مَا رَأَوْا.

بررسی روایت(خذوا بما رووا و ذروا ما رأوا)

مرحله اول: بررسی سند

این روایت از جنبه سندی و متنی مورد اشکال است.

 اما اشکال سندی: در دو نفر از افراد موجود در این روایت اشکال شده است یکی ابوالحسین بن تمام و دیگر عبدالله الکوفی. در مورد ابوالحسین بن تمام باید گفت که این شخص همان محمد بن علی بن فضل بن تمام است که از اجلاء ثقات است و بعضی به دلیل عدم شناسائی حکم به ضعف کرده اند. ولی عبدالله الکوفی خادم الحسین بن روح به نظر می رسد که وثاقتش قابل اثبات نباشد.

تعبیر نراقی در مورد سند روایت

 مرحوم نراقی در کتاب عوائد راجع به سند این روایت اینگونه تعبیر می کند: بسندٍ عالٍ صحیحٍ عن ابی جعفر[[4]](#footnote-4). اما به نظر تعبیر ایشان نامفهوم و اشتباه به نظر می رسد چونکه اولا این روایت از ابی جعفر نیست بلکه از امام عسکری(ع) است. و از طرفی کنیه حسین بن روح هم ابوالقاسم است. ثانیا تعبیر عال به معنای کم واسطه است در حالیکه در مورد این روایت اینطور نیست. به نظر اتکاء به حافظه باعث این اشتباهات شده است.

مرحله دوم: تطبیق روایت بر علی بن الحسن الفضال

مرحله دوم بحث آن است که بر فرض صحت سند، آیا بنو فضالی که در روایت وارد شده شامل علی بن الحسن بن الفضال می شود؟

 بنو فضال چند نفر هستند یکی حسن بن علی بن فضال که پدر علی بن حسن است و در سال 224 از دنیا رفته است[[5]](#footnote-5). و دو برادر علی به نام های احمد و محمد که از علی بزرگتر هستند. به نظر می رسد حسن بن علی و دو پسر بزرگترش داخل در این روایت هستد اما علی بن حسن که از جهت تصنیف از همه مهمتر بوده معلوم نیست داخل در روایت فوق باشد، با توجه به اینکه این روایت از امام عسکری (ع) صادر شده است و تاریخ تقریبی ولادت ابن فضال حدود سال 205 می باشد و با این احتساب علی بن الحسن زمان شهادت امام عسکری(ع) حدود 55 ساله بوده است و احتمال اینکه کتاب های مورد تألیف او، بعد از شهادت امام (ع) باشد وجود دارد. و همین احتمال برای این که بگوئیم کلام امام(ع) شامل علی بن الحسن نمی شود کافی است. به ضمیمه این نکته که آنچه از این روایت استفاده می شود آن است که حضرت این کلام را به عنوان قضیه خارجیه بیان کردند نه به عنوان قضیه حقیقیه. به این مثال توجه کنید اگر مرحوم امام خمینی اینطور تعبیر کرده باشند که کتاب های آقای مطهری همگی کتاب های خوب و اسلامی است اگر بعد از فوت امام کتابی از آقای مطهری تدوین شد آیا کلام امام، شامل این کتاب جدید هم می شود.

مرحله سوم: مفاد روایت

مرحله سوم بحث آن است که مفاد این روایت چیست.

کلام مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ انصاری در بحث احتکار از مکاسب محرمه بر این عقیده است که معنای روایت این است که تمام روایت های بنو فضال قابل اعتماد هست ولو افراد بعد از بنو فضال ضعیف باشند. ایشان می فرمایند این تعبیر از تعبیر اصحاب اجماع مهمتر است[[6]](#footnote-6). لذا اگر سند تا بنو فضال معتبر باشد بقیه سند نیاز به بررسی ندارد. البته مرحوم شیخ در کتاب طهارت[[7]](#footnote-7) در مورد سند این روایت تعبیر حسن کالصحیح می کند که وجه تعبیر کالصحیح برای ما معلوم نشد.

مناقشه در کلام مرحوم شیخ

اما این معنا که مرحوم شیخ فرموده اند، نه در مورد اصحاب اجماع صحیح می باشد و نه در مورد این روایت. بحث در مورد اصحاب اجماع در جای خود بررسی شده است. اما در مورد این روایت باید گفت که به دو صورت دیگر نیز می توان آن را معنا کرد یکی اینکه روایت هایشان را اخذ کنید و فتاوایشان را رها کنید یعنی در مقام اخذ فتوا صحت مذهب شرط است و دیگر آنکه روایت هایشان را اخذ کنید و عقاید فاسدشان را رها کنید و بنابر هر دو معنا، روایت در مقام بیان آن است که، مذهب فاسد این راویان مانع از اخذ حدیثشان نیست. در حقیقت در مقام دفع مانع از روایت فطحیه است. به این معنا که هر آنچه اقتضای صحت را دارد اخذ کنید و فطحی بودن را مانع اخذ حدیثشان قرار ندهید. البته معنای صحیح و بحث های دقیق در رابطه با این روایت در جای خود مطرح می شود.

اعتبار موثقات در خلاصه علامه

به مناسبت این بحث اعتبار موثقات در خلاصه علامه را مطرح می کنیم. مرحوم علامه در خلاصه افراد موثق را قبول ندارند و این مطلب از مجموع مطالب موجود در خلاصه قابل استفاده است. اما یک مورد در کلام علامه مورد استثنا است و آن جائی است که فرد موثق یکی از اصحاب اجماع باشد که در این صورت روایت را قابل اخذ می داند و اجماع در مورد اصحاب اجماع را شاهد بر قبول روایات این افراد می داند.

آدرس های این بحث

آدرس های این بحث (یعنی سند روایت خذوا بما رووا) به این شرح است: غایة الآمال جلد 3 صفحه 485. مقدمه معجم رجال جلد 1صفحه 71 که فرموده اند عبد الله الکوفی ضعیف است. تنقیح جلد 1 صفحه 151 که ابی الحسین بن تمام را هم فرموده اند ضعیف است. و در معجم رجال ضمن ترجمه علی بن حسن بن علی بن فضال فرموده اند: روایت به خاطر جهالت ابی الحسین و عبدالله کوفی ضعیف است. مستند کتاب الصوم جلد 1 صفحه 190 هم در مورد خادم حسین بن روح اشکال کرده اند و می فرمایند: حتی اسمش هم معلوم نیست. البته این کلام اشتباه و سهو السان است و علت آن اخذ از کتب غیر اصلی است. در فوائد الاصول مرحوم شیخ جلد 1 صفحه 142 این روایت را آورده است می فرماید: بسنده الصحیح الی عبدالله الکوفی خادم الشیخ الحسین بن روح. و معنای این عبارت تصحیح عبدالله الکوفی نیست.

کلام محقق اردبیلی در مورد روایت جمیل

مرحوم محقق اردبیلی در مورد سند روایت جمیل دو اشکال مطرح کرده اند[[8]](#footnote-8) ایشان می فرماید: لأن سندها مقطوع الی علی بن الحسن، و الطریق إلیه غیر معتبر. و الظاهر أنّه ابن فضال، و قالوا: انه فطحی و ان کان ثقة.

اشکال اول: طریق به علی بن الحسن اشکال دارد. و تعبیر (و الظاهر انه ابن فضال) به خاطر این است که روایت را از تهذیب گرفته است چون به ابن فضال بودن علی بن الحسن تصریح نکرده است. اما در استبصار به اسم علی بن الحسن بن فضال تصریح کرده است.

اشکال دوم: علی بن الحسن فطحی است و در قبول روایت فطحیه مانعی وجود دارد.

بعد به عنوان جواب از اشکال اول می فرماید:

 (لا یقال): أخذ الشیخ من کتابه، لأنه یقول فی آخر التهذیب و الاستبصار: و اقتصرنا من إیراد الخبر علی الابتداء بذکر المصنف الذی أخذنا الخبر من کتابه، فلا تحتاج الی تصحیح السند إلیه. اشکال آن است که مرحوم شیخ در آخر تهذیبین فرموده است که خبر را از کتاب اخذ می کنم لذا به تصحیح طریق نیاز نیست.

 بعد در جواب این توجیه می فرماید:

 (لأنا نقول) مع انه منقوض بحسن بن محبوب لیس بصریح فی ان کل ما حذف الإسناد فالإسناد إلیه ممّا لا یحتاج الی التصحیح، بل غایة ما یفهم، انه قد أورد ما أخذ من کتاب شخص، ابتدأ بذکره، اما کونه کلیّة فلا، و لهذا تراه یذکر المصنفین کثیرا مع الاسناد من غیر حذف، بل فی روایة واحدة قد یذکر و قد یحذف، و قد یذکر فی التهذیب و یحذف فی الاستبصار و بالعکس. در جواب اشکال می فرمایند که اولا این قاعده منقوض به حسن بن محبوب است که وجه این نقض برای استاد در این جلسه روشن نشد و همچنین بقیه این بند از عبارت[[9]](#footnote-9)

و أیضا دلالته علی ثبوت کون الکتاب له بالیقین أو بالطریق الشرعی غیر ظاهرة، إذ قد یرید المنسوب إلیه ثم یذکر طریق نقله مع ذلک و وصوله إلیه، و لهذا یذکر طریقه الی کل من حذف و أخذ من کتابه فی الفهرست و غیره

این قسمت از عبارت در حقیقت جوابی از عرض استاد نسبت به شهادت شیخ به اخذ از کتب است. محقق اردبیلی می فرماید: اینکه کتاب در نزد شیخ به یقین یا طریق معتبر ثابت شده باشد معلوم نیست به این دلیل که ممکن است مراد شیخ از تعبیر (روی الحسین بن سعید) این باشد که مبنی بر طریقی که در مشیخه یا فهرست ذکر کردیم روایت را از حسین بن سعید نقل می کنم. بنابراین شهادت مطلقه ای وجود ندارد. و انگیزه شیخ از ذکر طرق در فهرست و مشیخه صحت انتساب کتاب به مؤلف است. البته استاد این اشکالات را، در جلسات قبل جواب دادند. و به نظر می رسد اشکال مرحوم اردبیلی به سند این روایت صحیح نمی باشد.

حجیت روایت موثقات

بنابراین این روایت از موثقات است. حال بحث آن است که در صورت تعارض خبر صحیح با موثق تکلیف چیست؟ در اینجا می توان مقدم بودن خبر صحیح بر موثق را به دو گونه تقریر کرد: یکی اینکه بگوئیم خبر موثق مقتضی حجت دارد اما در فرض تعاض با خبر صحیح از حجیت می افتد و بیان دیگر آنکه بگوئیم دلیلی بر حجیت خبر موثق غیر از ادعای سیره در کلام شیخ طوسی در عده وجود ندارد و مرحوم شیخ هم سیره را با دو شرط یعنی عدم مخالفت با فتوا یا روایت امامی بیان می کنند لذا اقتضای حجیت برای خبر موثق وجود ندارد مگر با این دو شرط. و در مورد این روایت هم باید بررسی شود که آیا جمع عرفی بین این روایت و روایات دیگر وجود دارد یا خیر؟ و در صورت وجود جمع عرفی روایت حجت می باشد و اشکال مخالفت با فتوای امامیه نیز مندفع می شود.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. تهذيب‏الأحكام ج : 9 ص : 296 [↑](#footnote-ref-1)
2. روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه ج11ص232 [↑](#footnote-ref-2)
3. بنی فضال خاندانی از راویان حدیث، که از فرقه فاسده فطحی بوده اند. [↑](#footnote-ref-3)
4. عوائد صفحه 466 [↑](#footnote-ref-4)
5. رجال‏النجاشي ص : 35 [↑](#footnote-ref-5)
6. کتاب المکاسب (کنگره) ج4ص366 [↑](#footnote-ref-6)
7. کتاب الطهاره ج1ص355 [↑](#footnote-ref-7)
8. مجمع الفائده جلد 11 صفحه 429 [↑](#footnote-ref-8)
9. استاد معظم در جلسه 12بهمن ماه شرح مبهمات این عبارت را بیان می کنند. [↑](#footnote-ref-9)